



تغییر ماهوی در یک سیستم سیاسی از یک ایدئولوژی به ایدئولوژی مغایر آن، تغییرات گسترده‌ای در همه شؤون آن سیستم را به همراه خواهد داشت. انقلاب اسلامی در صورت‌بندی یک گفتمان، یک تغییر برون گفتمانی است که گفتمان حاکم را در کلیت به چالش کشانده و فرومی‌پاشاند. در گفتمان پیشانقلاب اسلامی دال‌های سکولاریزم، سلطنت و غرب‌گرایی دال‌های اصلی‌اند در حالی که در گفتمان انقلاب اسلامی امام‌سیم، جمهوری و غرب‌ناگرایی دال‌های اصلی و صورت‌بخش آن است.

همچنین گفتمان انقلاب اسلامی از دل فرآیند یک انقلاب که فرآیندی برساختر است، گفتمان خود را صورت‌بندی می‌کند. این تغییر گفتمانی در تمام لوازم و زوایای آن نظام نیز مثر خواهد بود و آنها را نیز تغییر خواهد داد که از جمله آنها «سانه» است. شاید رسانه زودتر و دقیق‌تر از بسیاری دیگر از لوازم حکومت تغییر کند، چرا که بلندگوی حکومت خواهد بود. اما سوال اینجاست: این بلندگو چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آیا صرفاً به تأیید و تبلیغ هر آنچه در سیستم وجود دارد پردازد؟ از راستی و ناراستی! یا در مقام یک «منتقد طرفدار دلسوز» به نقد سیستم در جهت هر چه کارآتر شدن آن بپردازد؟ این رسانه چه ویژگی‌هایی دارد؟

نظر امام و مقام معظم رهبری در این‌باره چیست؟! اینها سوالاتی است که پیرامون «سانه پسانقلابی» مطرح است؛ رسانه‌ای که باید در تراز انقلاب اسلامی باشد.

ویژگی‌های رسانه انقلابی

- رسانه، دانشگاه عمومی**

آنچه امام خمینی(ره) پیرامون رسانه ملی بیان کردند اول ویژگی هر رسانه پسانقلابی است؛ اینکه رسانه باید یک دانشگاه عمومی باشد بتواند جامعه را به سمت و سوی درست و انقلابی و آموزشی هدایت کند. با مراعات و لحاظ کردن جنبه‌های مثبت و منفی انقلاب اسلامی گروهی، این بدیده می‌تواند از یک سو سبب وحدت، همبستگی و وفای ملی شود و از طرف دیگر به عنوان یک ناظر بسیار قوی بر عملکردهای اقتصادی-اجتماعی مانع بروز و ظهور فساد در جامعه است. کاربرد رسانه بیش از هر چیز، اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی اخبار و اطلاعات است. در فضای شفاف تبادل اخبار و اطلاعات امکان سوءاستفاده از منابع مردمی و دولتی کمتر از گذشته می‌شود.

- رسانه بدون لکننت و معطوف به واقعیت**

ویژگی دیگری یک رسانه انقلابی صریح بودن و نقاد بودن آن است. اگر انقلاب را امری مستمر بدانیم و هر روز تغییر از وضع موجود به سمت وضع مطلوب را به رسمیت بشناسیم، رسانه نیز باید با همین ویژگی در نقد وضع موجود به سمت وضع مطلوب پیش رود و بدین واسطه باید در نقد وضع موجود زبانی صریح و بدون لکننت داشته باشد. این شرط نخستین است و شرط پسین آن این است که رسانه معطوف به واقعیت‌ها به تحلیل و شکل‌دهی مطالب بپردازد؛ واقعیت‌های بیرونی‌ای که در فضای جامعه وجود دارد نه آنکه خواست طبقه حاکمیت است، به نوعی دیگر رسانه ملی باید از زاویه جامعه به مسائل نگاه کند نه آنکه روابط عمومی حاکمیت باشد.

- معنویت‌ساز**

ویژگی دیگر رسانه تراز انقلاب که با ایدئولوژی انقلاب نیز رابطه مستقیم دارد، معنویت‌ساز بودن آن است. آنچه به‌عنوان یک تربیون در جامعه اسلامی باید مدنظر قرار گیرد آن است که همه جامعه به سمت خدا جهت داده شود و رسانه تراز انقلاب نیز در بهترین و بیشترین کاربردش باید برآیند برنامه‌هایش در جهت معنوی کردن هر چه بیشتر جامعه حرکت داده شود.

- رسانه عدالتخواهان و مستضعفان**

آنچه می‌توان به عنوان ویژگی دیگر رسانه پسانقلابی مورد توجه قرار داد، مسائل و ارزش‌هایی

مروری بر بایدها و نبایدهای اطلاع‌رسانی تراز انقلاب اسلامی

رسانه پسا انقلابی

- میکائیل دبانی

که سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) بیان داشته، عبارت است از «تمام کنش‌ها و اثرات، راه‌ها و روش‌هایی که برای رشد و تکامل توانایی مغزی و معرفتی و همچنین مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتار انسان به‌کار می‌رود؛ البته به‌طریقی که شخصیت انسان را تا ممکن‌ترین حد آن، تعالی بخشد». چنین کنش‌هایی از آغاز تولد تا واپسین دم حیات همراه انسان است. از این‌رو آموزش، یک فرآیند فراگیر است که تداوم آن تمام حیات انسانی را در بسر می‌گیرد و از این رو برای آموزش نه زمانی معین وجود دارد و نه مکانی مشخص.

در این میان رسانه‌های ارتباطی خواه برای این کار برنامه‌ریزی شده باشند و خواه نشده باشند، آموزش‌دهنده‌اند. رسانه‌ها فراهم‌آورنده دانش و شکل‌دهنده ارزش‌ها‌بند و مردم همواره از آنها تأثیر می‌پذیرند و می‌آموزند. اهمیت وظیفه آموزشی وسایل ارتباطی در جوامع معاصر، به‌حدی است که بعضی جامعه‌شناسان برای مطبوعات و رادیو و تلویزیون و سینمانقش «آموزش‌موازی» یا «آموزش دائمی» قائل هستند. جامعه‌شناسان معتقدند وسایل ارتباطی یا پخش اطلاعات و معلومات جدید، به موازات کوشش معلمان و اساتید و وظیفه آموزشی انجام داده و دانستنی‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان و دانش‌جویان را تکمیل می‌کنند. البته برخی معتقدند ورود رسانه جمعی به عرصه آموزش موجب کاستن خرده‌فرهنگ‌ها و تقویت جامعه توده‌وار می‌شود. معنای جامعه‌توده‌دار این است که ما به‌خاطر رسانه‌های جمعی گرایش بیشتری پیدا می‌کنیم به اینکه به شیوه یکسانی صحبت کنیم، به شیوه یکسانی فکر کنیم و کنش و واکنش ما مثل هم باشد. در کنار این گرایش به یکدست‌سازی‌ها، این اتهام وجود دارد که رسانه‌های جمعی مانع رشد فرهنگی می‌شوند.

پ- کارکرد سرگرم‌سازی و پرکردن اوقات فراغت: وسایل ارتباط جمعی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار تفریحی و سرگرمی افراد به‌شمار می‌روند که با پخش و انتشار برنامه‌های سرگرم‌کننده بر الگوی رفتار اوقات فراغت انسانی اثراتی تعیین‌کننده دارند و از این طریق است که فرد از تنهایی و زندگی سخت روزمرش رهایی می‌یابد و با محیط بیرونی تماس برقرار می‌کند و به‌گفته برخی، ناخفه و سلبیع عمومی از نظر هنری بالا می‌رود. اما کسانی هم معتقدند رسانه‌ها با این برنامه‌های سرگرم‌کننده انسان‌ها را به‌سمت غفلت تشویق و ترغیب کرده و سلیقه عمومی را تنزل داده، مانع رشد توجه به هنر و تمجد آن شده و هنر متعالی را خراب می‌کنند. ت- کارکرد نوگرایی و توسعه: فرآیند توسعه رابطه پایداری با تعامل میان مردم و مشارکت فعال گروه‌های اجتماعی دارد که این امر صورت نمی‌گیرد، مگر در پرتو نظام جامع ارتباطی- اطلاعاتی که می‌تواند تا حد زیادی در رفع اختلافات و تضادهای موجود در ارزش‌ها و رفتارهای مردم و فراهم آوردن محیط مساعد برای توسعه ملی مؤثر باشد. از جمله نخستین سخنران را به جای آنکه ۱۰ نفر بشوند به ۱۰ هزار نفر می‌رساند. به عبارتی در حکم آمپلی‌فایر و میکروفن است.

- زبان به خصوص داشته باشد**

یکی از مشکلاتی که رسانه‌ها با آن دست و پنجه نرم می‌کنند نداشتن زبان به خصوص است اما این مساله برای رسانه تراز انقلاب اولویت و اهمیت مضاعف دارد، چرا که قرار است حرفه‌ایی را بزند که در پروپاگاندای رسانه‌های جهان جزو اقلیت قرار می‌گیرد و برای شنیده شدنن باید بیشتر و بهتر مورد توجه قرار گیرد. هر رسانه برای ایجاد یک حرکت و ساخت اجتماعی باید حتماً این دو مولفه را داشته باشد: ۱- چارچوب‌های فکری و نظری؛ ۲- زبان مخصوص به خود برای بیان واقعیت. زبان به خصوص برای بیان واقعیت همان چیزی است که در هنر به آن «سبک» می‌گویند. رسانه‌ها وقتی می‌توانند رسانه‌های تأثیرگذار باشند که علاوه بر چارچوب نظری، زبان منحصر به خودشان را داشته باشند. اگر رسانه‌ای از این مولفه تهی شد صرفاً نقش یک بلندگوی اطلاع‌رسان را خواهد داشت که صدای سخنران را به جای آنکه ۱۰ نفر بشنود به ۱۰ هزار نفر می‌رساند. به عبارتی در حکم آمپلی‌فایر و میکروفن است.

- دیالوگ‌محور**

یکی از مولفه‌های عقب‌ماندگی رسانه این است که «تک‌گو» باشد. آنچه در حوزه رسانه امروز به عنوان یک اصل پذیرفته‌شده مورد توجه است، آن است که رسانه به لحاظ ماهیتی نمی‌تواند تک‌گو باشد مگر آنکه بگوییم این رسانه ارگان و رسانه فلان حزب است و صرفاً دیدگاه‌های حزب متبوع را پوشش می‌دهد. در غیر این صورت رسانه در کارکرد اصلی و وسیع خود نمی‌تواند تک‌گو باشد. رسانه تراز انقلاب به طریق اولی و به‌خاطر شعار بنیادین خود که «زادی» یکی از ارکان آن است باید شرایط را برای دیالوگ و بیسان‌آزادانه نظرات و انتقادات و پیشنهادات فراهم کند.

- کارکردهای رسانه**

الف- کارکرد نظارتی: یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه خبری، نظارت بر محیط است. کارکرد نظارت و حراست از محیط، شامل رساندن اخبار توسط رسانه‌ها می‌شود که برای اقتصاد و جامعه ضروری است، مانند گزارش اوضاع سهام، ترافیک و شرایط آب و هوایی. البته کارکرد نظارتی و مراقبتی می‌تواند موجب چندین «کژکارکرد» هم شود، مانند به‌وجود آمدن وحشت از تأکید بیش از حد بر خطرات و تهدیدها در جامعه. «لازارسفلد و مرتون» از کژکارکردی تخریبی نام برده‌اند که بر اثر جذب بیش از حد اطلاعات، افراد دچار بی‌اعتنایی و رخصوت می‌شوند. ارائه بیش از حد اخبار خارق‌العاده احتمال دارد ارتباط مخاطبان را با آنچه واقعی و معمول است کاهش دهد.

ب- کارکرد آموزشی یا انتقال فرهنگ: آموزش بر اساس تعریفی



چرا مزاحم برای خودمان درست کنیم؟ راه عیش و عشرت را بر این جوان‌های تازه‌رس باز می‌کنیم، هر چه می‌خواهند از این عیش و عشرت‌ها بکنند، ما هم آن مخازن‌شان را می‌بریم؛ اینها هم عیش و عشرت‌شان را بکنند! اینها فریاد بکنند و عیش و عشرت بکنند، آنها هم همه چیزشان را ببرند. این ۵۰ سال وضع ما این بود. دامن می‌زنند به همه چیزهایی که در این معنا مشترک بود که جوان‌های ما را تباه می‌کرد؛ بی‌تفاوت می‌کرد، در همه این معنا مشترک بود و حالا ما می‌خواهیم که باورمان آمده باشد، چه شماها که در تلویزیون هستید، در رادیو هستید کار می‌کنید و چه ما که طلبه هستیم

و آنجا هستیم، باورمان بیاید که ما یک رژیم فاسدی که هُمش [را] به این گماشته بود که جوان‌های ما را فاسد کند، تباه کند، بی تفاوت نسبت به مسائل اساسی خودش بکند، باورمان بیاید که آن رفته که یک رژیم اسلامی- انسانی بیاید که در همه امور جدی باشد». (امام خمینی(ره)؛ ۱۷ شهریور ۵۸، تفاوت آزادی قلم و خیانت قلم) «مطبوعات در عین حال که یک مؤسسه محترم و بسیار مؤثرند، لکن باید روی موازین مطبوعاتی و خدمت به ملت رفتار کنند. آزادی قلم و آزادی بیان معنایش این نیست که کسی ضد مصلحت کشور قلمش آزاد است

در روز پنجشنبه ۴ ذی‌العقده‌الحرام ۱۳۲۵، عموم علمای اعلام و حجج‌الاسلام حصون شریعت سیدالانام علیه الاف‌التحیه و السلام حاضر و بر خود محتّم و لازم نمودند که بالاتفاق بر تمام هستی خود در اعلاّی کلمه اسلام و احیای سنن شریعت خیر‌الم‌رسلین علیه صلوات‌ المصلین و ابطاع بدع‌ مبدعین و اعانت‌ مظلومین کیف‌ مسا کان و بالغاً و مبالغه، به جان و مال و عرض و عمر در این مقصد مقدس و حفظ و حمایت‌ مجلس شورای ملی و اتجمن ملی حاضر و امید نصرت از حضرت احدیت و فتاوی‌ امام عصر- عجل‌الله‌تعالی‌ فرجه- داشته‌باشند...

اعلامیه از طرف علما و اتجمن‌های اصفهائی‌ها به تهران- تلگراف...

مسلمین و تقویت‌ دین‌ مبین، مخالف‌ مجلس شورای ملی شیداله‌ ارکانه به مثابه‌ محاربه با امام زمان(عج) علیه‌السلام است. ۱۵ ذی‌العقده ۱۳۲۵ قمری.

درباره روند مشروطیت در شیراز، انطور که روزنامه «حبل‌المتین» گزارش می‌دهد، مدت‌ها از مشروطیت و انتخابات خبری نبوده است تا اینکه مجتهد بزرگ آن دیار، مرحوم آیت‌الله آقا میرزا ابراهیم مجتهد وارد سیاست شهری می‌شود؛ و آنگاه شیراز سه جرگه مشروطه‌خواهان می‌پیوندد. این روند و نقطه عطف در مشروطیت شیراز، دلیلی تاریخی بر نظر قبلی ما و مؤید تحلیل گفته شده است.

برای در جریان قرار گرفتن حال و هوای شیراز در امر مشروطه، به نقل مرحوم میرزا ابراهیم مجتهدمجلاتی در مسجد وکیل شیراز در سنه ۱۳۲۵ هجری قمری، نظری می‌افکنیم، در این‌باره، روزنامه حبل‌المتین چنین می‌نویسد: «... مدتی است از هر جانبی خطوط بسیار نوشتند در باب انتخاب وکلا. من محض مخالف بودن و متحد نبودن آراء، تعویق انداختم. تا اینکه امروز به میل و خواهش عموم آقایان، انعقاد این مجلس خبریه شده و امروز خود را در میان بهشت و دوزخ می‌بینم. اگر وکلا و منتخبان به وظیفه شریعه و اصلاح امور جمهور رفتار نمایند، تا هر وقت این دستور جاری است، در جراید و روزنامه‌ها و کتب تاریخ ما را به خیر ذکر می‌کنند... ولی آنچه من حالا رأی می‌دهم، این است که هر کس که آنجا حاضر است بدون استئنا روی یک قطعه کاغذ، اسم ۷ نفر را که به نظرش عادل و درست‌کردار و خیرخواه عموم آید- اسم از اینکه یک طلبه باشد- بنویسد و در پاکت گذارده، آنوقت تمام پاکت‌ها به مهر تصدیق همه نزد یک نفر بسپارند؛ و آن پاکت‌ها را در حضور ۵ نفر باز نمایند. آنوقت ببینند اتفاق آرا درباره کدام از حضار زیادت است؛ همان اشخاص را وکیل مقرر نمایند. فرمایشات جناب حجت‌الاسلام، مهر خاموشی بر زبان عموم مخالفان زده، همه تصدیق نمودند که فوق این رأی و فرمایش مطلبی نیست...»

این متن تاریخی، نفوذ علمای مشروطه‌خواه و تفکر مذهبی مشروطه را در بین مردم یکی از بصاد خوبی منعکس می‌کند. اما برای بی بردن به مورد اینکه در جناح مقابل چه منطق و روشی در کار بوده است، می‌توان به اسناد و مدارک و متون تاریخی رجوع کرد. با توجه به اسناد و متون گفته شده، متوجه می‌شویم که برخی روشنفکران غرب‌گرایی دوران مشروطه با چه اهداف و بنا چه زبانی با مردم سخن می‌گفتند؟ در این‌باره، یکی از محققان علوم سیاسی معتقد است:

آیا نوشته‌های میرزا آقاخان کرمانی و طالبوف و آخوندزاده و ملکم‌خان، با آن تعبیرها و اصطلاحاتی که اغلب بیگانه با برگردانیده از زبان‌های بیگانه بود مانند «لیت‌اتور»، «پروگرام»، «پروغرس»، «دسیسیتی» و «سنازمان» (به ترتیب در برابر ادبیات و برنامه و پیشرفت و خودکامگی و دگرگونی، برای چه کسانی در میان مردم ایران قابل فهم بود و این کسان چه نسبتی از کل نفوس ایران را تشکیل می‌داده‌اند؟ باید گفت که حتی امروزه نیز مطالب آن نوشته‌ها، برای اکثریت مردم وطن ما درافتنی نیست؛ تا چه رسد به آنکه در اواخر قرن سیزدهم هجری، از جانب مردم دریافته و پذیرفته شود و از آن مه‌تر در ایشان شور و شوقی که لازمه هر جنبش بزرگ سیاسی است برآید. **ادامه دارد**

تاریخ مشروطه

- دکتر موسی نجفی

به ۲ سند تاریخی در این‌باره اشاره می‌کنیم:

الف- تأثیر اعلامیه‌ها و فتاوی‌ علمای مشروطه‌خواه

- علمای نجف:**

ما غرضی جز تقویت اسلام و حفظ دماء مسلمین و اصلاح امور عامه نداریم، علی‌هنا مجلسی که تأسیس آن برای رفع ظلم و اغانه مظلوم و اعانت ملهوف و امر به معروف و نهی از منکر و تقویت ملت و دولت و ترفیه حال رعیت و حفظ بیضه اسلام است، قطعه، عقدا، شرعا و عرفا، راجع بلکه واجب است...

- علمای اصفهان:**

... در روز پنجشنبه ۴ ذی‌العقده‌الحرام ۱۳۲۵، عموم علمای اعلام و حجج‌الاسلام حصون شریعت سیدالانام علیه الاف‌التحیه و السلام حاضر و بر خود محتّم و لازم نمودند که بالاتفاق بر تمام هستی خود در اعلاّی کلمه اسلام و احیای سنن شریعت خیر‌الم‌رسلین علیه صلوات‌ المصلین و ابطاع بدع‌ مبدعین و اعانت‌ مظلومین کیف‌ مسا کان و بالغاً و مبالغه، به جان و مال و عرض و عمر در این مقصد مقدس و حفظ و حمایت‌ مجلس شورای ملی و اتجمن ملی حاضر و امید نصرت از حضرت احدیت و فتاوی‌ امام عصر- عجل‌الله‌تعالی‌ فرجه- داشته‌باشند...

اعلامیه از طرف علما و اتجمن‌های اصفهائی‌ها به تهران- تلگراف...

مسلمین و تقویت‌ دین‌ مبین، مخالف‌ مجلس شورای ملی شیداله‌ ارکانه به مثابه‌ محاربه با امام زمان(عج) علیه‌السلام است. ۱۵ ذی‌العقده ۱۳۲۵ قمری.

درباره روند مشروطیت در شیراز، انطور که روزنامه «حبل‌المتین» گزارش می‌دهد، مدت‌ها از مشروطیت و انتخابات خبری نبوده است تا اینکه مجتهد بزرگ آن دیار، مرحوم آیت‌الله آقا میرزا ابراهیم مجتهد وارد سیاست شهری می‌شود؛ و آنگاه شیراز سه جرگه مشروطه‌خواهان می‌پیوندد. این روند و نقطه عطف در مشروطیت شیراز، دلیلی تاریخی بر نظر قبلی ما و مؤید تحلیل گفته شده است.

برای در جریان قرار گرفتن حال و هوای شیراز در امر مشروطه، به نقل مرحوم میرزا ابراهیم مجتهدمجلاتی در مسجد وکیل شیراز در سنه ۱۳۲۵ هجری قمری، نظری می‌افکنیم، در این‌باره، روزنامه حبل‌المتین چنین می‌نویسد: «... مدتی است از هر جانبی خطوط بسیار نوشتند در باب انتخاب وکلا. من محض مخالف بودن و متحد نبودن آراء، تعویق انداختم. تا اینکه امروز به میل و خواهش عموم آقایان، انعقاد این مجلس خبریه شده و امروز خود را در میان بهشت و دوزخ می‌بینم. اگر وکلا و منتخبان به وظیفه شریعه و اصلاح امور جمهور رفتار نمایند، تا هر وقت این دستور جاری است، در جراید و روزنامه‌ها و کتب تاریخ ما را به خیر ذکر می‌کنند... ولی آنچه من حالا رأی می‌دهم، این است که هر کس که آنجا حاضر است بدون استئنا روی یک قطعه کاغذ، اسم ۷ نفر را که به نظرش عادل و درست‌کردار و خیرخواه عموم آید- اسم از اینکه یک طلبه باشد- بنویسد و در پاکت گذارده، آنوقت تمام پاکت‌ها به مهر تصدیق همه نزد یک نفر بسپارند؛ و آن پاکت‌ها را در حضور ۵ نفر باز نمایند. آنوقت ببینند اتفاق آرا درباره کدام از حضار زیادت است؛ همان اشخاص را وکیل مقرر نمایند. فرمایشات جناب حجت‌الاسلام، مهر خاموشی بر زبان عموم مخالفان زده، همه تصدیق نمودند که فوق این رأی و فرمایش مطلبی نیست...»

این متن تاریخی، نفوذ علمای مشروطه‌خواه و تفکر مذهبی مشروطه را در بین مردم یکی از بصاد خوبی منعکس می‌کند. اما برای بی بردن به مورد اینکه در جناح مقابل چه منطق و روشی در کار بوده است، می‌توان به اسناد و مدارک و متون تاریخی رجوع کرد. با توجه به اسناد و متون گفته شده، متوجه می‌شویم که برخی روشنفکران غرب‌گرایی دوران مشروطه با چه اهداف و بنا چه زبانی با مردم سخن می‌گفتند؟ در این‌باره، یکی از محققان علوم سیاسی معتقد است:

آیا نوشته‌های میرزا آقاخان کرمانی و طالبوف و آخوندزاده و ملکم‌خان، با آن تعبیرها و اصطلاحاتی که اغلب بیگانه با برگردانیده از زبان‌های بیگانه بود مانند «لیت‌اتور»، «پروگرام»، «پروغرس»، «دسیسیتی» و «سنازمان» (به ترتیب در برابر ادبیات و برنامه و پیشرفت و خودکامگی و دگرگونی، برای چه کسانی در میان مردم ایران قابل فهم بود و این کسان چه نسبتی از کل نفوس ایران را تشکیل می‌داده‌اند؟ باید گفت که حتی امروزه نیز مطالب آن نوشته‌ها، برای اکثریت مردم وطن ما درافتنی نیست؛ تا چه رسد به آنکه در اواخر قرن سیزدهم هجری، از جانب مردم دریافته و پذیرفته شود و از آن مه‌تر در ایشان شور و شوقی که لازمه هر جنبش بزرگ سیاسی است برآید. **ادامه دارد**

تأملات